بیانیه خانم باجی درخصوص پلنگ و پونه

شهرام شهیدی طنزنویس روزنامه شهروند چنین نوشت:همیشه در شبگردی‌هایمان سعی کرده‌ایم به مهم‌ترین مسائل روز بپردازیم. (این هم از چپ‌وچیل بودن ما است که در شبگردی به مسائل روز می‌پردازیم) برای امروز هم دنبال مهم‌ترین اخبار و اتفاق‌ها بودیم. شما فکر می‌کنید مهم‌ترین اتفاق روزهای اخیر چه بوده؟ موضوع اختلاس‌های کلان در کشور و سفرهای کانادایی؟ نه. این ماجراها هنوز برایتان عادی نشده؟ شما چقدر پیله هستید. این موضوع که دیگر یک امر روتین است. بعضی‌ها هم می‌گویند نوسان قیمت ارز و سکه لابد خبر اصلی این روزهای شماست. نچ. چون از قدیم گفته‌اند جز راست نباید گفت و هر راست نشاید گفت، بنابراین مجبوریم از حرف‌زدن در مورد ارز هم اجتناب کنیم. آمدن مدیر اینستکس به تهران خبر مهمی است؟ نچ. سازوکار مالی ویژه اتحادیه اروپا و ایران به مهریه می‌ماند. کی داده؟ کی گرفته؟ لیگ قهرمانان آسیا هم آن قدرها اهمیت ندارد که تیتر یک من خانم باجی شود. حتما می‌گویید چه پرچانه! خب یک کلمه بگو می‌خواهید در شبگردی به کی و چی بپردازید خیال‌مان را راحت کنید. عرض می‌کنم خدمت‌تان که موضوع مهم امروز ما حیات‌وحش است. درواقع همان پلنگ تیزدندانی که شاعر ترحم بر او را مصادف دانسته با ستمکاری بر گوسفندان. ما همیشه گوسفندپروری کرده و به گوسفندان اهمیت داده‌ایم -که البته کار بدی هم نیست- اما این روزها اتفاقا مسیر بحث شاعر عوض شده و گوسفندان در امنیت قرار گرفته‌اند و همان پلنگ تیزدندان مورد اشاره -که انگار دندان‌هایش را کشیده‌اند و ایمپلنت هم جواب نداده- مورد آماج شکارچیان و رانندگان بی‌احتیاط و دام صیادان قرار گرفته. حالا شما خودتان کلاه‌تان را قاضی کنید و بالاغیرتاً بی‌حب و بغض به پرسشنامه زیر پاسخ دهید:

پلنگ صورتی معروف‌تر است و بیشتر لایک دارد یا پلنگ ایرانی؟
پلنگ صورتی خودش راضی است که از پلنگ ایرانی محبوب‌تر باشد؟
پلنگ با کدام کلمه هم قافیه‌تر است: الف)فشنگ ب)قشنگ؟
حیات‌وحش را آدم ببرد توی موزه بهتر است یا موزه را ببرد توی حیات‌وحش؟
چرا پلنگ‌ها فرار مغزها نمی‌کنند؟ الف) دل رفتن ندارند؟ ب) پای رفتن ندارند؟ پ) شرایط مهاجرت سخت شده؟ ت) شرایط اخذ ویزا سخت‌تر شده؟
ث) اگر مغز داشتند که این شکارچی‌های سودجو را می‌خوردند، سیر می‌شدند و زنده می‌ماندند.
وقتی دیگر پلنگی باقی نمانده چرا انتظار داریم نقش پلنگ ایرانی دوباره روی پیراهن تیم‌ملی فوتبال بنشیند؟
شکار را آدم معمولا کجای دلش می‌گذارد؟ وقتی گذاشت روی دلش، درد هم می‌گیرد؟ با نعنا و پونه دل‌درد آدم حل می‌شود؟ مار واقعا از پونه بدش می‌آید؟
رابطه پلنگ و شکارچی مثل: الف) مار است و پونه ب) نویسنده است و مخاطب.

ماجرای غم‌انگیز یک نماینده فقیر!

روزنامه آرمان در ستون طنز خود نوشت:در خبرها خواندم که یکی از نمایندگان مظلوم و فقیر و زجرکشیده مجلس که درعین حال تو دل برو و دوست‌داشتنی هم است، اعلام کرده حقوق هشت میلیون و سیصد هزار تومانی نمایندگی کفاف زندگی ایشان را نمی‌دهد.باور کنید با شنیدن این خبر همینطوری که به ژاژخایی افتاده بودم و بغض از بصل‌النخاع بیرون زده بود، هق‌هق کنان گوشی تلفن را برداشتم و به ایشان زنگ زدم و خوشبختانه چون مردم‌مدار و عدالت‌جو هستند، بلافاصله گوشی تلفن را جواب دادند:
من: خدا مرگم بده! همین الان خبر رو خوندم، خدایا چرا؟! چرا الان؟! چرا اینجا؟! چرا فقط ماهی هشت میلیون تومن؟!
نماینده: گریه نکن جانم! بالاخره ما سختی می‌کشیم و با چندرغاز حقوق می‌سازیم که شما مردم گوگوری موگوری حالتو نمی‌بریم!
من: آخه بدبختی اینجاست که ما هم حالشو نمی‌بریم!
نماینده: یعنی چی؟! ما با ماهی هشت میلیون تومن نمی‌تونیم زندگی کنیم، شما چرا؟!
من: شما چرا چی؟! ما کلا زندگی رو شیفت دیلیت کردیم، همینطور الکی اون بغل مغلا می‌پلکیم!
نماینده: آخ آخ آخ! این اصلا خوب نیست پسرم با اون اسم و فامیل عجیبت، شما باید امیدوار باشید به زندگی!
من: متاسفانه ما پذیرفتیم توی شرایط فعلی حجم موتورمون همین قدر می‌کِشه، تندتر بریم واشر سرسیلندر می‌سوزونیم.
نماینده: ما شرایط‌مون از شما هم بدتره، متاسفانه مسئولیت حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم به عهده ماست و این وظیفه‌ایست سنگین!
من: مگه کار نماینده چیزی به جز حل مشکلات مردمه؟!
نماینده: زر مُفت...نه! یعنی زیاده‌گویی اضافه نکن پسرم! همین حرف‌ها رو زدید که یه عده پررو شدن به خوابیدن ما توی صحن علنی هم گیر میرن دیگه!
من: نمی‌فهمم! پس شما واسه چی اصلا نماینده شدی؟!
نماینده: که مشکلات اقتصادی خودمون حل شه، قبلا ماهی هشت میلیون تومن خیلی زیاد بود، آدم راحت چهار سال توی ناز و نعمت زندگی می‌کرد، الان چی؟! چیکار می‌کنه این دولت اصلا؟! اه!

مرجان شیخ الاسلامی چگونه خودش را نامزد اصلاح طلبان جا زد؟

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت:مرجان شیخ الاسلامی آل آقا متهم فراری پرونده فساد مالی پتروشیمی، یک شیاد بزرگ بود که برای باز کردن راه نفوذ در مراکز قدرت، خود را گاهی وابسته به اصلاح طلبان و گاهی به اصولگرایان معرفی و نام خود را در اوراق تبلیغاتی به عنوان کاندیدای این جناح‌ها مطرح می‌کرد.
یکی از اصلاح طلبان در واکنش به انتشار اخباری در این زمینه نوشت: «مرجان شیخ الاسلامی در انتخابات مجلس ششم بدون نظر جبهه مشارکت و برای فریب دادن مردم از پوستر مشارکت استفاده کرده ولی در هیچ شهرستانی کاندیدای مشارکت نبود.» نکته قابل تامل این است که این فرد کلاهبردار با اینکه مرتکب اقدامات خلاف مالی زیادی شده و از اعضاء باند فساد مالی پرونده پتروشیمی بود، چگونه توانست در سال ۱۳۹۱ آن‌هم درحالی که پرونده فساد مالی پتروشیمی در دادسرا مطرح بود از کشور خارج شود و پول زیادی را به خارج منتقل کند!

لایق نیستم جزو جانبازان جنگ شمرده شوم

«یکی از ارگان‌ها اعتراض کرد و گفت، چرا فلان فرد معلوم‌الحال را جانباز اعلام کرده‌اید؟! ادعای هیأت رسیدگی این بود، حجاریان به‌عنوان نایب‌رئیس شورای شهر در مقابل محل خدمت خود و در حال رسیدگی به امور ارباب‌رجوع ترور شده و می‌توان او را جانباز حین خدمت قلمداد کرد؛ اما مخالفان نمی‌پذیرفتند.» این بخشی از گفت‌وگوی تازه سعید حجاریان است.بخشی از مصاحبه روزنامه شرق را می‌خوانید:آقای حجاریان! همان طور که اطلاع دارید پس از دوم خرداد شما را «تئوریسین اصلاحات» نامیدند. پس از ترور نیز «جانباز اصلاحات» خوانده شدید. اطلاق این‌گونه عناوین را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به‌طورکلی استفاده از این قبیل عناوین را مناسب نمی‌دانم. چنان‌که پیش‌تر در گفت‌وگویی اعلام کردم، خود را «تئوریسین اصلاحات» هم نمی‌دانم. به طریق اولی موافق عنوان «جانباز اصلاحات» هم نیستم. هرچند به گمان بعضی، خودزنی کرده‌ام و می‌دانیم پس از خودزنی از اساس موضوع جانبازی منتفی است!فارغ از موافقت یا عدم موافقت شما به هر تقدیر بحث درباره چنین عناوینی گشوده است.

بله. شاید بهتر باشد این بحث را از منظر فقهی بررسی کنیم. ببینید! چنان‌که می‌دانیم در فقه و رساله‌های عملیه درباره غسل و کفن شهید بحث‌هایی مطرح شده و گفته‌اند وی را باید با لباس خون‌آلود دفن کرد. این تعریف به فرد یا افرادی دلالت دارد که در میدان جنگ در مقابل کافران و باغیان قرار گرفته و جان باخته‌اند. تأکید بر میدان جنگ بسیار مهم است، زیرا امام خمینی در پاسخ به یک استفتا درباره حکم پاسداران و محافظان شخصیت‌ها معتقد است غسل و کفن از آنها ساقط نیست. درباره جانبازان بحث فراتر از اینهاست، زیرا جانبازی از جمله مقولات مستحدثه است و حکم فقهی درباره آن موجود نیست؛ اما می‌دانیم دیه جانبازان جبهه‌های جنگ که به‌خاطر دفاع از خاک و عقایدشان ازخودگذشتگی کرده‌اند، بر عهده دولت است و باید به‌نحوی خسارت وارده جبران شود و اکنون، با ایجاد تسهیلات مختصری مانند تأمین دارو، ویلچر، پروتز، مخارج بیمارستان و همچنین مقرری برای پرستاران، آنها را مراعات می‌کنند. این کار وظیفه هر دولتی است چه ایران چه کشورهای غیر.شما بر «تسهیلات مختصر» تأکید کردید، اما تصور برخی فراتر از این است تا حدی که گاهی جانبازی به‌مثابه رانت تلقی می‌شود.

بله. ما باید میان حقوق جانبازی و سوءاستفاده بعضی تفکیک قائل شویم.

فارغ از بحث سهمیه‌ها باید بگویم با این تصور که جانبازان به‌خاطر وضعیت‌شان به آلاف و الوف رسیده‌اند، موافق نیستم. مطلع هستم، بنیاد شهید امکانات ضعیفی برای پوشش‌دادن به این قشر دارد. چنان‌که می‌بینیم شهرهای ایران خانه‌نشینی را به جانبازان تحمیل کرده است، زیرا امکان استفاده آنها از معابر عمومی، برخلاف کشورهای اروپایی، ممتنع است. همچنین با تغییر هنجارها و ارزش‌ها، نگاه‌ها به جانبازی تغییر کرده است. فیلم گیلانه به‌خوبی بی‌مهری‌های مردم نسبت به جانبازان را به تصویر کشیده است.

به خود شما بازگردیم. به‌هرحال شما جانباز محسوب می‌شوید یا خیر؟

ببینید! با توجه به تعاریفی که اشاره کردم، مشخص نیست من در این میانه چه‌کاره‌ام؟ نه در جنگ جانباز شده‌ام، نه دشمن به من حمله کرده است.ترور من به تعبیر یک شخصیت نظام محصول غبارآلودگی فضای کشور و خودزنی دوستان بوده است. به هر ترتیب من لایق آن نیستم تا در زمره جانبازان جنگ شمرده بشوم کما اینکه اگر مرده بودم مطابق آرای فقهی صدرالاشاره شهید محسوب نمی‌شدم. بعد از بیرون‌آمدن از کما، هیأت تعیین درصد جانبازی به سراغم آمد و آن تیم، من را جانباز اعلام کرد و چون مشکلات تعادل، گفتار، فلج دست چپ و آسیب نخاع و مخچه عوارض بسیاری به‌جای گذاشته بود، درصد جانبازی ۷۰ درصد تعیین شد.

شنیده بودم برخی با جانبازی شما مخالف بودند...

بله. یکی از ارگان‌ها به این حکم اعتراض کرد و گفت، چرا فلان فرد معلوم‌الحال را جانباز اعلام کرده‌اید؟! ادعای هیأت رسیدگی این بود، حجاریان به‌عنوان نایب‌رئیس شورای شهر در مقابل محل خدمت خود و در حال رسیدگی به امور ارباب‌رجوع ترور شده و می‌توان او را جانباز حین خدمت قلمداد کرد؛ اما مخالفان نمی‌پذیرفتند. البته من از مزایای جانبازی هیچ استفاده‌ای نکرده‌ام جز یک عدد طرح ترافیک سالانه به‌منظور تردد به مراکز درمانی.

داستان بوتفلیقه و عادل

«داستان عادل و بوتفلیقه حکایت زیبایی است. یکی را مردم خواستند و مدیری که او را دوست نداشت، با تمام تلاش‌هایش نتوانست در برابر رأی مردم تاب بیاورد و بالاخره تسلیم محبوبیت عادل فردوسی پور شد و جایزه گرفتن او را تماشا کرد. دیگری هم با وجود اینکه می‌خواست بازهم طعم قدرت را بچشد، با «نه» بزرگ مردم روبرو شد و مجبور به تسلیم در برابر الجزایری‌ها شد».مصطفی داننده در روزنامه خبر ورزشی نوشت: بوتفلیقه ۸۲ ساله بعد از ۲۰ سال ریاست جمهوری در الجزایر اعلام کرد که می‌خواهد برای پنجمین بار نامزد انتخابات ریاست جمهوری شود. او در حالی سودای نشستن دوباره بر کرسی ریاست جمهوری را داشت که ۶ سال است به علت سکته مغزی، همنشین ویلچر است.مردم الجزایر اما در سر سودای دیگری داشتند. وقتی خبر نامزدی بوتفلیقه را شنیدند، به خیابان آمدند به رئیس جمهور ویلچرنشین خود «نه» گفتند. آنها به دنبال آدم جدیدی بودند. الجزایری‌ها آنقدر به خیابان آمدند تا بالاخره بوتفلیقه از تصمیم خود برگشت و اعلام کرد نامزد انتخابات نخواهد شد.الجزایری‌ها پیروز شدند. آنها توانستند با اراده خود، راه تکرار یک دوره ۲۰ ساله را بگیرند. بعد از انتخابات ریاست جمهوری، دیگر نام بوتفلیقه با الجزایر برده نخواهد شد.

عادل فردوسی‌پور مجری ۴۴ ساله و محبوب تلویزیون ایران، بعد از روی کار آمدن علی فروغی جوان ۳۰ ساله به عنوان مدیر شبکه سه، روزهای سختی را سپری کرد. رابطه عادل و فروغی شکرآب بود. برنامه نود به خاطر پخش یک مسابقه از لیگ ملت‌های اروپا پخش نشد. همه فهمیدند مدیر جدید و تازه شبکه سه تلویزیون، در اندیشه رقابت با عادل است. او می‌خواهد مچ مجری کهنه‌کار تلویزیون را بخواباند.

رابطه سرد این دو ادامه داشت تا تلویزیون تصمیم گرفت به بهترین برنامه‌های خود را با نظر مردم انتخابات کند. برنامه عادل هم جز گزینه‌های بهترین برنامه سال بود درحالی که خودش در تصمیمی عجیب جز مجری‌های برتر نبود.

در دور اول رای‌گیری برنامه عادل با فاصله اول شد. در دور دوم هم او در صدر برنامه‌های محبوب قرار داشت تا اینکه خبر رسید یک میلیون از آرای برنامه نود به حساب برنامه برنده باش با اجرای گلزار ریخته شده است. همه از این دستکاری مطلع شدند. وزیر ارتباطات در فضای مجازی از تقلبی بزرگ حرف زد.به نظر می‌رسید دست‌هایی می‌خواستند نشان دهند عادل محبوب نیست و مردم گلزار خوش چهره را بیشتر دوست دارند.با کمک وزیر ارتباطات آرای عادل برگشت و برنامه او بهترین شد و فردوسی پور در هنگام دریافت جایزه خود گفت: «خوشحالم در سخت‌ترین سال کاری‌ام که در رسانه خودم هم به من بی‌مهری شد، دیده شدم؛ هم از طرف مردم و هم از طرف اهالی رسانه. جایزه دوم که مردم به من دادند بسیار برایم ارزشمند است و نمی‌دانم با چه زبانی از مردم تشکر کنم.»کارگردان تیزهوش مراسم جام‌جم هم در هنگام صحبت‌های تند و تیز عادل، چهره فروغی مدیر شبکه سه را نشان می‌داد. چهره، عصبانی و بدون لبخند او حکایت از تمام ماجرا داشت.داستان عادل و بوتفلیقه حکایت زیبایی است. یکی را مردم خواستند و مدیری که او را دوست نداشت، با تمام تلاش‌هایش نتوانست در برابر رأی مردم تاب بیاورد و بالاخره تسلیم محبوبیت عادل فردوسی پور شد و جایزه گرفتن او را تماشا کرد. دیگری هم با وجود اینکه می‌خواست بازهم طعم قدرت را بچشد، با «نه» بزرگ مردم روبرو شد و مجبور به تسلیم در برابر الجزایری‌ها شد.

مخالفت دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری با حکم تکمیلی قدیانی

روزنامه سازندگی در ادامه خبرها نوشت:

دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری ضمن مخالفت با حکم ابوالفضل قدیانی که توسط قاضی پیرعباسی داده شده است آن را«بدسلیقگی و مغایر با اثربخشی و روح فرهنگی» دانست.

ابوالفضل قدیانی، عضو ۷۳ ساله سازمان مجاهدین انقلاب از سوی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی پیرعباسی به اتهام «توهین به رهبری» به دو سال و به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال زندان محکوم شده است. اما ماجرا از حکم تکمیلی قاضی دادگاه انقلاب آغاز می‌شود. او در بخشی از حکمش برای مجازات تکمیلی به «مطالعه و رونویسی» از کتاب‌های «حکایت زمستان» نوشته سعید عاکف، «داستان سیستان» نوشته رضا امیرخانی و «دشمن‌شناسی» از کتاب‌های منتشر شده در انتشارات انقلاب اسلامی، محکوم شده است. همین حکم تکمیلی بود که واکنش‌های زیادی را درپی داشت.

درواقع، دو کتاب از مجموع کتاب‌هایی که قدیانی به حکم دادگاه باید رونویسی کند، به زندگی رهبر معظم انقلاب می‌پردازند. داستان سیستان نوشته رضا امیرخانی، نویسنده اصولگرا است که درواقع شرح سفر رهبری به استان سیستان و بلوچستان است. کتاب دشمن‌شناسی هم برگرفته از آرا و نظرات رهبری درباره دشمن است که انتشارات انقلاب اسلامی آن را منتشر کرده است. انتشاراتی که وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار رهبری است. همین امر باعث شد تا این دفتر به حکم قاضی پیرعباسی واکنش نشان دهد و آن را«بدسلیقگی و مغایر با اثربخشی و روح فرهنگی» آثار بداند. رضا امیرخانی، نویسنده اصولگرای کتاب داستان سیستان هم به این مسأله انتقاد کرد و در کانال تلگرامی‌اش نوشت: «کتاب را به حکم قاضی نمی‌خوانند؛ کتابی درست خوانده می‌شود که مخاطب، آن را انتخاب کند.اگر قرار است کتاب به فهرست مجازات‌های تکمیلی افزوده شود، بهتر است پیش از آن، تغییراتی در قانون حقوق مولفان و مصنفان انجام پذیرد و در آن پیش‌بینی شود تا از مولفان برای این کار اجازه بگیرند». صدور احکام تکمیلی به جای مجازات‌های معمول پیش از این هم سابقه داشته و آخرین آن به مجازات دانشجویی بازمی‌گردد که به اتهام دزدی محکوم شده بود و قاضی او را به خواندن کتاب «از سرد و گرم روزگار» احمد زیدآبادی محکوم کرد. محکومیتی که با واکنش‌های مثبت بسیاری مواجه شد و نویسنده کتاب درباره آن نوشت: «اگر او از سر علاقه به مطالعه کتاب برخیزد و از خواندن آن لذت ببرد، شاید بتوان گفت به جای مجازات، به واقع جایزه‌ای از طرف قاضی دریافت کرده است، جایزه‌ای که شاید نگاه او را به زندگی تغییر دهد و تحولی در احوال او پدید آورد».

نوزاد گاو!

روزنامه کیهان در ستون (گفت و شنود)خود چنین نوشت:
گفت: چه خبر؟!
گفتم: آمریکا و متحدانش از سفر رئیس‌جمهور کشورمان به عراق بدجوری عصبانی شده‌اند.
گفت: خب حق دارند! چون ۶ سال با وعده‌های سرخرمن و تهدیدهای توخالی سر دولت ما را شیره مالیدند و غیر از خسارت و فاجعه نصیب‌مان نشد ولی در یک سفر سه روزه ده‌ها توافق اقتصادی تا سقف ۲۰ میلیارد دلار با عراق به امضاء رسیده است.
گفتم: حالا مدیر اینستکس (کانال مالی ایران و اروپا) را به ایران فرستاده‌اند که ضرورت این کانال مالی را توجیه کند!
گفت: ولی یارو در مقابل سؤال یک بازرگان ایرانی که نشان داده بود اینستکس فقط یک کلاهبرداری جدید است هیچ توضیحی نداشت و برای رد گم کردن گفت البته اینستکس هنوز نوزاد است و طول می‌کشد تا بزرگ شود!
گفتم: گاو یارو از دستش فرار کرده بود، هرچه کرد نتوانست آن را بگیرد. به مزرعه برگشت و گوساله را به باد کتک گرفت! گفتند؛ گاوت فرار کرده چرا گوساله را می‌زنی؟ گفت؛ این گوساله بزرگ بشه از اون بدتره!

فشار واشنگتن به‌عراق برای کاهش واردات انرژی از ایران

روزنامه جمهوری اسلامی در ستون (جهت اطلاع) خود نوشت:سفر رئیس‌جمهور ایران به عراق، خشم مقامات آمریکائی را برانگیخته است.

بریان هوک، نماینده رئیس‌جمهور آمریکا در امور ایران در واکنشی خشم‌آلود به سفر «حسن روحانی» رئیس‌جمهور ایران به عراق، مدعی شد جمهوری اسلامی می‌خواهد عراق را به یکی از استان‌های ایران تبدیل کند! وی که با شبکه عرب زبان «الحره» وابسته به دولت آمریکا صحبت می‌کرد، افزود: «اگر بحث امنیت، حاکمیت و ثبات عراق مطرح است، ایران پاسخ آن نیست.» دولت آمریکا از ماه‌ها پیش عراق را برای کاهش روابط تجاری و سیاسی با ایران تحت فشار قرار داده است.

واشنگتن همچنین تلاش زیادی کرده تا بغداد را از واردات انرژی از ایران باز دارد، اما مقام‌های عراقی این خواسته آمریکا را رد کرده‌اند.

حداقل دستمزد در ایران کمتر از افغانستان؟!

روزنامه مردم سالاری در گزارش نوشت: تقریباً یک هفته بیشتر به پایان سال ۹۷ باقی نمانده است، اما هنوز رقم دستمزد کارگران برای سال آینده تعیین نشده است.

تورم افسارگسیخته آن‌چنان دستمزد کارگران ایرانی را سرکوب کرده است که معادل دلاری حداقل دستمزد در ایران حتی از حداقل دستمزد در افغانستان نیز کمتر شده است! این نوشته را تا انتها بخوانید تا متوجه شوید که ظرف یک سال گذشته چقدر قدرت خرید کارگران ایرانی کاهش یافته است.در سال ۹۶ حداقل دستمزد ۹۳۰ هزار تومان و بنا به آمارهای بانک مرکزی نرخ دلار در بازار آزاد (بازار غیررسمی) ۴۰۴۵ تومان بود.

این بدان معناست که در سال ۹۶، معادل دلاری حداقل دستمزد در ایران حدود ۲۳۰ دلار در ماه بود. اگر در حال حاضر نرخ دلار در بازار آزاد را ۱۳ هزار تومان درنظر بگیریم، حداقل دستمزد در ایران به حدود ۸۶ دلار در ماه رسیده است.

در واقع، معادل دلاری حداقل دستمزد در ایران در یک سال گذشته حدوداً ۶۳ درصد کاهش یافته است. این شاخص، اهمیت بسیار زیادی دارد، چرا که افزایش نرخ ارز در ایران همواره افزایش شدید قیمت کالاها را درپی دارد و در واقع، کاهش دلاری دستمزدها، میزان کاهش قدرت خرید کارگران را انعکاس می‌دهد.اگر بخواهیم با کشورهای همسایه مقایسه کنیم، حداقل دستمزد در ایران در اثر تورم و افزایش نرخ ارز، چنان سرکوب شده که حتی از حداقل دستمزد در افغانستان نیز کمتر شده است. برای این‌که مقایسه راحت‌تر صورت گیرد، حداقل دستمزد در ایران و کشورهای همسایه را به دلار آمریکا تبدیل کرده‌ایم.

حداقل دستمزد در ایران در حال حاضر ۸۶ دلار در ماه است، اما در افغانستان حداقل دستمزد برای کارگران غیردائم بخش خصوصی، ۹۵ دلار در ماه و برای کارمندان دائم بخش دولتی ۱۰۳ دلار در ماه است. تا همین سال گذشته، حداقل دستمزد در عراق کمتر از ایران بود، اما در حال حاضر حداقل دستمزد در این کشور ۲۱۴ دلار در ماه است که بسیار بیش از ایران است. حداقل دستمزد در ترکیه ۳۳۸ دلار و در ترکمنستان ۱۵۶ دلار در ماه است. در آذربایجان نیز که نیروی کار ارزان است، حداقل دستمزد بیش از ایران و ۱۰۵ دلار در ماه است. حداقل دستمزد در ارمنستان نیز ۱۰۷ دلار در ماه است.

در شرق ایران، پاکستان به‌عنوان کشوری فقیر با جمعیتی بسیار زیاد شناخته می‌شود، اما حداقل دستمزد در این کشور نیز بیش از ایران و ۱۰۷ دلار در ماه است. برخی کشورها نظیر عربستان سعودی در بخش خصوصی‌شان حداقل دستمزد را تعیین نمی‌کنند. اما مشخص است که دستمزد پرداختی در کشورهای ثروتمند حاشیه جنوبی خلیج فارس در مجموع بیش از ایران است.

حداقل دستمزد برای کارگران بخش عمومی در عربستان ۸۰۰ دلار در ماه است که بنا استانداردهای خاورمیانه، رقم قابل توجهی محسوب می‌شود.در کل باید گفت که تورم و افزایش نرخ ارز، دستمزد کارگران را شدیدا کاهش و نیروی کار را به شدت ارزان ساخته است. کمترین میزان دستمزد کارگران در چین (در این کشور حداقل دستمزد به‌صورت منطقه‌ای تعیین می‌شود) ۱۶۱ دلار در ماه است.

چین کشوری است که به‌عنوان مهد نیروی کار ارزان در جهان شناخته می‌شود؛ با این حال، بحران ارزی در ایران دستمزدها را چنان سرکوب کرده که نیروی کار ایرانیان از چینی‌ها نیز ارزان‌تر شده است.

آگهی مزایده مال غیر منقول

به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۱۳۹۷۰۴۰۱۱۱۲۲۰۰۰۰۹۷ شش دانگ یک قطعه آپارتمان واقع در همکف به مساحت ۱۸۵/۱۱ مترمربع به پلاک بیست و پنج هزار و دویست و چهل و هشت فرعی از دوازده اصلی مفروز و مجزا شده از ۶۲۸۱ فرعی از اصلی مذکور قطعه یک واقع در بخش ۳ شیراز که در دفتر الکترونیکی شماره ۱۳۹۵۲۰۳۱۱۰۳۵۰۰۴۵۰۹ به نام خانم آزیتا عبداللهی ثبت و سند صادر گردیده است و طبق سند رهنی شماره ۵۶۱۳۶- ۹۵/۱۱/۷ دفترخانه ۵۱ شیراز در قبال مبلغ ۳/۹۹۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال در رهن بانک رفاه کارگران قرار گرفته و طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ شش میلیارد و پانصد و شصت و دو میلیون و هفتصد و هشتاد و شش هزار و ششصد و شصت و هفت ریال ارزیابی شده و برابر گزارش کارشناس رسمی دادگستری یکباب آپارتمان در طبقه همکف از یک ساختمان دو طبقه با اسکلت فلزی و سقف تیرچه بلوک سه خوابه هال و پذیرایی کف موزاییک و بدنه نقاشی و اطاقها مثل هال و آشپزخانه کف و بدنه سرامیک و کابینت فلزی، حمام و توالت کف و بدنه سرامیک، با نمای آجرنما و با قدمت حدود بیست سال و سیستم سرمایش و گرمایش بخاری گازی و دارای انشعابات آب و برق و گاز با قدر السهم از عرصه و سایر مشاعات و مشترکات پارکینگ روباز در شمال غربی و حیاط درب از کوچه شرقی دارد و در تصرف مالک می باشد. به آدرس : شهرک شهید بهشتی خ لادن نبش کوچه ۸ پلاک ۳۶۲ طبقه همکف کدپستی ۷۱۸۹۶۵۸۵۱۳ با حدود و مشخصات شمالاً: در پنج قسمت که دوم و چهارم غربی است اول به طول ۳/۱۰ متر دوم به طول ۲/۲۰ متر هر دو قسمت دیواری است به پارکینگ سوم به طول ۳/۱۰ متر و چهارم به طول ۰/۸۰ متر و پنجم به طول ۵/۸۰ متر همگی به راهرو و راه پله مشاعی شرقا: به طول ۱۶/۷۰ متر دیوار و پنجره است به خیابان ۱۲ متری جنوباً : به طول ۱۲ متر دیوار و پنجره و درب است به حیاط مشاعی غرباً : به طول ۱۳/۷۰ متر دیوار به دیوار پلاک ۶۲۸۰ فرعی پلاک فوق از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۹۸/۲/۲ در اداره اجرای اسناد رسمی شیراز واقع در شیراز بلوار عدالت جنوبی ۳۰۰ متر بعد از تقاطع غیر همسطح عدالت (پل چهارراه زندان) اداره اجرای اسناد رسمی شیراز به نفع بانک رفاه کارگران به مزایده گذاشته می شود و مزایده از مبلغ فوق الذکر ریال شروع به بالاترین مبلغ پیشنهادی نقدا به فروش می رسد. لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب،برق و گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که در مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد کلا به عهده برنده مزایده خواهد بود و نیز در صورت وجود مازاد،وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول می گردد. این آگهی یک نوبت در روزنامه خبر جنوب درج می گردد. ضمنا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد، مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد.

تاریخ انتشار:۹۷/۱۲/۲۳ م الف ۲۲۱۲۰

رئیس اداره اجرای اسناد رسمی شیراز – حمید قرقانی

شرکت توسعه بازاریابی و فروش ماد

با وکالت از بانک ملت در نظر دارد املاک مشروحه ذیل در استان فارس را از طریق مزایده عمومی شماره ۹۷/۱۴۹ به فروش برساند. متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و همچنین دریافت اسناد مزایده از تاریخ ۹۷/۱۲/۲۲ لغایت ۹۷/۱۲/۲۸ از ساعت ۸:۳۰ الی ۱۳:۳۰ به آدرس شیراز بلوار چمران ساختمان مدیریت بانک ملت اداره تدارکات و ساختمان با تلفن ۳۶۲۶۹۳۴۰ یا ۳۶۱۸ مراجعه فرمایند. آخرین مهلت تحویل اسناد مزایده تا پایان وقت اداری روز سه شنبه مورخ ۹۷/۱۲/۲۸ می باشد. ضمناً جلسه بازگشایی پاکات و اعلام برندگان مزایده ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۹۸/۱/۱۷ در محل دفتر مرکزی شرکت برگزار می گردد. شرکت در قبول یا رد یک یا کلیه پیشنهادات مختار خواهد بود.

بانک ملت bank mellat

توضیحات:

الف) در فروشهای نقدی شرایط پرداخت بصورت ۴۰ درصد پیش پرداخت ، ۴۰ درصد حداکثر تا دو ماه بعد (همزمان با تحویل ملک) و ۲۰ درصد هنگام تنظیم سند در دفترخانه می باشد .

د) سایر شرایط مزایده فروش املاک در اسنادمزایده درج گردیده است .

«۱۰۴-۱۸۶۹»

ردیف	کدشناسه	کاربری	متراژ(مترمربع) عرصه	متراژ(مترمربع) اعیان	قیمت‌پایه	شرایط فروش	آدرس	توضیحات
۱	۲۰۶	تجاری اداری	۹۵۶/۵۷	۴۹۸۶/۷	۳۱۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد	شیراز، میدان شهدا، ساختمان قدیم سرپرستی بانک ملت	با وضعیت موجود ملک دارای ۳۶/۵ متر تجاری زیرزمین دوم ۳۱ متر تجاری در زیرزمین اول ۸۶۴/۱ متر تجاری همکف ۷۳/۴ حریم تجاری همکف ۶۶۴/۲ متر بالکن تجاری در نیم طبقه همکف ۵۲۷/۱ واحد اداری طبقه اول ۵۰۰/۲ اداری طبقه دوم ۱۲/۳ انباری در طبقه سوم اعیانی مفید می باشد. ملک در حریم بافت تاریخی قرار دارد و در زمان تجدید بنا یا اجرای طرح رعایت عقب نشینی الزامی و دارای تعهد رسمی درخصوص اصلاح سند تا زمان نقل و انتقال می باشد.
۲	۱۰۶۲۸	تجاری	قدرالسهم	۲۹۷	۸۹,۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰	نقد	شیراز، مجتمع خلیج فارس، طبقه اول، تجاری واحد ۱۲۹۵	سرقفلی با وضعیت موجود